**انترناسیونال ۶۷۹**

**در چهارمین سال تشکیل کمیته آذربایجان**

**گفتگو با محسن ابراهیمی**

**دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری**

***انترناسیونال:****چهار سال از تشکیل کمیته آذربایجان حزب می گذرد، در این مدت چه فعالیتهایی داشته اید و چه نتایجی از این فعالیتها بدست آورده اید؟*

**محسن ابراهیمی:** در اطلاعیه تشکیل کمیته آذربایجان در آگوست 2012 وظایف پیش روی ما این چنین فرمولبندی شده است:

وظیفه این کمیته نمایندگی کردن حزب در آذربایجان و تمام جدال های سیاسی و ایدئولوژیک در این منطقه است. حضور فعال در جدال های سیاسی علیه جمهوری اسلامی، علیه مذهب، ناسیونالیسم و کلیه راه حلها و سیاست های دست راستی و انحرافی در مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بطور مشخص افشای مستمر ناسیونالیسم ترک، بسیج فعالین سکولار، چپ و سوسیالیست حول سیاست های رادیکال و انقلابی علیه جمهوری اسلامی، دخالت فعال در جنبش کارگری و مبارزات حق طلبانه مردم آذربایجان، شناساندن حزب و اهداف حزب و گسترش نفوذ سیاسی و تشکیلاتی حزب در این منطقه چهارچوب اهداف کمیته آذربایجان را تشکیل میدهد.

در مدت چهار سال گذشته ما با ابزارهای متنوعی مشغول پیش بردن این وظایف بوده ایم.

ابزار کار ما اینها بوده اند: برنامه مستقیم تلویزیونی به زبان ترکی در شبکه کانال جدید، نشریه ای به نام سهند که از طریقش در کنارتحلیل مسائل پیشاروی مردم آذربایجان افکار ناسیونالیستی مورد نقد و افشاگری قرار میگیرند، پانلهای پالتاکی با حضور افرادی از طیفهای مختلف متعلق به جریانات ناسیونالیستی، پرسش و پاسخ در گروه تلگرامی "آزادی، برابری، انسانیت"، و انتشار نظراتمان در صفحه فیسبوکی و سایت کمیته آذربایجان.

برنامه های مستقیم تلویزیونی علیرغم تازه کار بودنش بسیار مورد استقبال قرار گرفت. این برنامه دریچه و امکانی شده بود برای اقشار مختلف مردم ترک زبان ازسراسر ایران. مخصوصا آن بخشی از مردم که امکان اظهار نظر از طریق نشریات فارسی زبان ندارند و یا به خاطر عدم آشنایی با ادبیات نوشتاری ترکی امکان ابراز نظر از طریق نشریات ترک زبان ندارند و دسترسی به و اظهار نظر در تلویزیون مخصوصا به زبان مادری برایشان آسانتر است در این برنامه ظاهر میشدند و از مسائل روزمره اقتصادی واجتماعی  وسیاسیشان که در زیر سلطه حکومت اسلامی با آنها در گیر هستند را با دیگران در میان میگذاشتند. این برنامه به محلی برای همدلی و همدری مردم، ابراز انزجار علنی علیه سران حکومت، اعتراض به وضع موجود و نوعی اعتراض جمعی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده بود.

در کنار برنامه های مستقیم تلویزیونی به زبان فارسی، برنامه به زبان ترکی برای اولین بار امکانی برای انعکاس صدای مردم معترض در آذربایجان و ترک زبانها در سایر نقاط ایران را بیشتر فراهم کرد. در مقابل شبکه تلویزیونی گوناز تی وی و دهها سایت اینترنتی که به ماشین نفرت پراکنی علیه مردم فارس زبان و ترک زبان و ارمنی تبدیل شده اند، برنامه به زبان ترکی کانالی و امکانی برای اعلام درد مشترک و اعتراض مشترک علیه دشمن مشترک شده بود.

در حال حاضر به خاطر مشکلات تکنیکی این برنامه پخش نمیشود ولی تلاش ما بر این است که مجددا این برنامه را شروع کنیم.

در گروه تلگرام "آزادی، برابری، انسانیت" فراز آزادی سردبیر نشریه سهند و خودم به عنوان دبیر کمیته آذربایجان به طور روتین شرکت کرده ایم و به طور ویژه در باره خطرات ناسیونالیسم عموما و ناسیونالیسم ترک مشخصا به سئوالات شرکت کنندگان پاسخ داده ایم. این برنامه ها امکان داده است که طیفی از جوانان درگیر در رسانه های اجتماعی از رگه های مختلف فکری و سیاسی با ما ونقطه نظرات ما در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی از نزدیک آشنا شوند.

در نشریه سهند که هر چند ماه یک بار منتشر میشود تا کنون مطالب پایه ای و تحلیلی متعددی در باره مسائل مهمی که مردم آذربایجان درگیرشان هستند و همچنین نقد نظری و سیاسی ناسیونالیسم منتشر شده است.

برای مثال اینها سرتیترهای تعدادی از مباحثی هستند که در این  دوره در نشریه درج شده اند: حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ آذربایجان، جمهوری آذربایجان و پیشه وری، زبان مادری و جایگاه واقعی آن،  ناسیونالیسم ضد زن از جنس جمهوری اسلامی، دریاچه ارومیه و محیط زیست، جنگ قره باغ و تحرک ناسیونالیسم و راه حل انسانی، سیاستهای دولت ناسیونال - اسلامی ترکیه و تحرک ناسیونالیسم ترک در آذربایجان، عرصه های تبلیغی ناسیونالیستهای ترک، استفاده سیاسی ناسیونالیسم کلا و مشخصا ناسیونالیسم ترک از ورزش و مخصوصا فوتبال، تشابهات مذهب و ناسیونالیسم.

از واکنش سایتهای مختلف و واکنش جریانات ناسیونالیست در این سایتها به نظرات ما میتوان متوجه سطح و نحوه تاثیرات کار نظری وسیاسی ما شد. برای مثال، تحت تاثیر بحثهایی که از طریق تلویزیون ونشریه و تلگرام و فیسبوک مخاطبان متنوعی را در بر میگرفت، کسانی از طیف ناسیونالیسم ترک تلاش میکنند حساب خود را از ناسیونال - فاشیسم رسانه ای مثل گوناز تی وی جدا کنند. احساس شرم میکنند که افکارشان با ناسیونال - فاشیسم تداعی شود. روشن است که هر چقدر کارهای پایه ای تر بیشتری ارائه کنیم، هر چقدر بتوانیم نظراتمان را در دسترس تعداد وسیعتری ازطریق میدیای اجتماعی قرار دهیم همانقدر بیشتر میتوانیم مانع نیروگیری ناسیونال- فاشیسم از طیف کسانی که تحت تاثیر افکار ناسیونالیستی هستند باشیم و دایره تاثیرگذاری سمومات فکری و سیاسی آنها حتی در میان کسانی که به درجاتی از ناسیونالیسم متاثر هستند را محدودتر کنیم.

**انترناسیونال:***وضعیت اجتماعی و سیاسی در آذربایجان چه ویژگی هایی دارد که آن را از شرایط عمومی در ایران متفاوت میسازد؟*

**محسن ابراهیمی:** به نظر من در یک سطح پایه ای هیچ تفاوتی میان وضعیت اجتماعی و سیاسی آذربایجان و شرایط عمومی در ایران وجود ندارد.

زبان مادری مردم آذربایجان ترکی است. اما این فقط یک ویژگی زبانی است که در قیاس با اشتراکات جدی اجتماعی و سیاسی میان کارگران و زنان و جوانان و توده های وسیع محروم  آذربایجان و سایر نقاط ایران تاثیر جدی ندارد.

به عنوان چند مثال:

کارگران ترک زبان آذربایجان تماما و دقیقا از همان مسائلی رنج میبرند که کارگران در تهران و شیراز و اصفهان و مشهد و سایر نقاط ایران. و به این اعتبار اعتراضات کارگران آذربایجان هم دقیقا متوجه همان اهدافی است که اعتراضان کارگران در سایر نقاط ایران. وقتی اعتراضات کارگران ایران ترانسفو، پتروشیمی ها، نیشکر، کارگران واحد و دهها اعتصاب و اعتراض کوچک و بزرگ دیگر در سراسر ایران را نگاه کنید متوجه تشابهات زیادی در مطالبات و نحوه اعتراض و نحوه درگیری با نیروهای سرکوب و غیره خواهید بود.

زنان ترک زبان آذربایجان دقیقا از همان قوانین و نیروهای ارتجاعی اسلامی رنج میبرند که زنان شیراز و اصفهان و یزد و  غیره و دقیقا همان اعتراضاتی را پیش میبرند که زنان سایر نقاط ایران.

جوانان آذربایجان همچون سایر جوانان در سایر نقاط ایران در یک کشمکش دائمی و در جنگ و گریز با انواع و اقسام نیروهای امر به معروف و نهی از منکر و پلیس اسلامی هستند.

بیکاری همانقدر بلای جان و زندگی جوانان در تبریز و ارومیه هست که در مشهد و اصفهان و تهران.

کودکان کار و خیابان، اعتیاد، تن فروشی و بی عدالتی گسترده در در دادگاهها، شکنجه و آزار در زندانها و غیره همه مساله مشترک ترک زبانها با مردم در سایر نقاط ایران است.

تنها ویژگی قابل توجه وضعیت در آذربایجان این است که مردم آذربایجان یک "ستم ملی" و تحقیر اجتماعی و فرهنگی و سرکوب زبانی آشکار از طرف سلطنت پهلوی و در ادامه اش حکومت اسلامی را تجربه کرده اند و میکنند و در کنار درد مشترک و اعتراض مشترک با مردم سایر نقاط ایران به این ستم هم معترضند. رفع این ستم و تبعیض هم البته فقط زمانی امکانپذیر است که به جای تقسیم بندی جامعه به ترک و فارس و کرد و غیره و نفرت پراکنی میان آنان، درد و رنج و اعتراض مشترک را مبنای یک اتحاد وسیع طبقاتی وسیاسی قرار داد و از نظامی رها شد که بنیادش بر تبعیض و تحقیر استوار است.

در مورد مساله ستم زبانی در آذربایجان در فرصتهای دیگر در نشریه "سهند" مفصلتر صحبت کرده ایم که اینجا تکرار نمیکنم.

**انترناسیونال:** *فعالیت ناسیونالیستها در آذربایجان در چه وضعیتی است؟ چه پایه های اجتماعی دارند و نفوذ آنها به چه اندازه است؟*

**محسن ابراهیمی:** مثل همه جریانات ناسیونالیستی در دنیا و کل ایران، ناسیونالیستهای ترک هم البته مدعی هستند همه مردم آذربایجان و همه "ملت ترک" در ایران را نمایندگی میکنند! همین البته نشان میدهد که بنیاد ناسیونالیسم بر یک دروغ سیاسی استوار است. چگونه میتوان در عین حال هم میلیاردهای ترک و هم کارگران و توده های وسیع مردم را که نان فرزندانشان را هم همان میلیاردها به  گروه گرفته اند نمایندگی کرد؟ چگونه میتوان در عین حال سرکوبگران و هم سرکوب شوندگان را نمایندگی کرد؟ چگونه میتوان هم ملا حسنی و قاضی پور و موسوی تبریزی و موسوی اردبیلی و هم هزاران زندانی سیاسی را نمایندگی کرد؟ چگونه میتوان هم  آیت الله های ضد زن و هم میلیونها زن تحت ستم را نمایندگی کرد؟

از این دروغ سیاسی- تاریخی بگذریم. موضوع تا آنجا که به امیال و آرزوهای ناسیونالیسم ترک مربوط است خیلی روشن است. ناسیونالیستهای ترک مثل همه ناسیونالیستهای دنیا میخواهند به نام مردم آذربایجان، جغرافیای آذربایجان را به میدانی برای اعمال حاکمیت طبقاتی بورژوازی ترک و چپاول طبقه کارگر در این منطقه تبدیل کند. جالب است بدانید که در جریان اعتراضات مردم آذربایجان علیه تحقیر اجتماعی روزنامه دولتی ایران در سال 1385 ناسیونال - فاشسیستهای گوناز تی نگران موسسات اقتصادی و بانکی "ترکها" در مقابل بانکها و موسسات اقتصادی "فارسیستها" بودند!

ناسیونالیسم ترک مخصوصا شعبه ناسیونال - فاشیست آن خود را بهترین ابزار برای باز کردن دست بوررژوازی آذربایجان برای یکه تازی اقتصادی و سود آوری و چپاول کارگران آذربایجان میداند.

آیا بورژوازی ترک هم این تبلیغات را قبول دارد؟ به نظر من بورژوازی ترک که چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی در حال حاضر بخشی مهم از کل طبقه سرمایه دار و اقتصاد مافیایی حاکم در ایران است، تا زمانیکه که حکومت اسلامی منافعشان را تامین میکند رغبتی به ناسیونالیسم ترک نخواهد داشت.

فقط زمانیکه حکومت متزل شود و شبح تحولات سیاسی بنیادی و احتمال یک انقلاب زیر و رو کننده را بالای سرشان ببینند، به هر جریان  و جبنشی متوسل میشوند که امکان ادامه چپاولشان را فراهم کند. اگر اوضاع اقتضا کند و مثلا امکان ادامه چپاول کارگران "هموطن" در یک آذربایجان مستقل ممکن ترین سناریو باشد آنگاه بسادگی اسلامشان را به نفع ناسیونالیسم ترک میکنند!

در میان کارگران مخصوصا کارگرانی که در مراکز صنعتی بزرگ کار میکنند و از احساس همدلی طبقاتی بیشتری برخوردار هستند خبری از یک تحرک قابل مشاهده از طرف ناسیونالیستها و مخصوصا تاثیرگذاریشان نیست.

برای مثال خوب است به اعتصاب و تحصن کارگران ایران ترانسفوی زنجان اشاره کنیم که مدتی پیش کارفرما و نهادهای حکومتی مدافعش را با یک ردوررویی قدرتمند چند هفته ای به مصاف طلبیدند. جالب است که همان ناسیونالیستهایی که نخود هر هیجان ورزشی هستند و فورا در میدان ورزشی تراکتور سازی حضور بهم میرسانند وشعارهای فاشیستی میدهند سروکله شان دراین جور جاها پیدا نمیشود. شاید میدانند که برای چهار هزار کارگر ایران ترانسفو که برای امنیت شغلی و منزلت انسانیشان به میدان آمده اند مثلا شعار "فارس دیل ایت دیلی" (زبان فارسی زبان سگ است) بیشتر مایه تمسخر و تحقیر است!

منظورم این نیست که کارگران در مقابل سمومات ناسیونالیستی مصون هستند. اما مخصوصا الان که در آذربایجان هم شاهد رودرویی روز افزون کارگران در رشته های مختلف با کارفرمایان و دولت هستیم و میبینیم که در اکثر این موارد خواسته های اقتصادی و طبقاتی کارگران را به هم گره میزند میدان برای تحرک ناسیونالیستها بسیار ضعیف است.

باید تاکید کنیم که مصونیت طبقه کارگر در مقابل سمومات ناسیونالیستی تماما منوط به تحرک گرایش رادیکال - سوسیالیست، کارگران چپ و کمونیست در میان این طبقه است. و این گرایش همین الان گرایش قابل توجهی در میان کارگران است. سالهای اخیر سرشار از نمونه هایی است که در آن رهبران و فعالین محبوب و بانفوذ کارگری و تشکلهای کارگری به مناسبتهای مختلف به نمایندگی از منافع کل جامعه و در طرفداری از یک زندگی درخور انسان برای همه مردم ایران ظاهر شده اند.

در حال حاضر محیط اصلی مورد توجه ناسیونالیستهای ترک محافلی از دانشگاهها و دانشجویان و محیطهایی از  ترک زبانان خارج کشور است. البته در محیطهای دانشگاهی و دانشجویی هم همچون فضای عمومی کل ایران فضا مخصوصا برای افکار ناسیونال – فاشیستی خیلی مساعد نیست. زورشان را میزنند و منتظر فرصت مناسب هستند. ما هم نباید بگذاریم چنین فرصت مناسبی فراهم شود.

***انترناسیونال:*** *شما از ناسیونالیستهای ترک در آذربایجان با عنوان ناسیونال - فاشیست یاد میکنید، این عنوان چه منطقی دارد؟*

**محسن ابراهیمی:**  عنوان ناسیونال - فاشیسم مناسب اینهاست به این دلیل ساده که تمام آرزوها و آمال و تصویرشان از مناسبات سیاسی و رابطه انسانها شبیه جنبشهای فاشیستی شناخته شده است.

اینها رسما و علنا از پاکسازی قومی در آذربایجان صحبت میکنند. برای مثال در میدیای اجتماعی علنا مردم آذربایجان را علیه مردم کرد زبان و مشخصا کارگران کرد زبانی که در شهرهای مختلف آذربایجان توسط سرمایه  داران اسلامی شیره جانشان کشیده میشود تحریک میکنند. میگویند ارومیه مال ترکهاست و باید کردها از ارومیه پاکسازی شوند. وقتی به تبلیغات وشعارهایشان نگاه بکنی پیراهن سیاهان موسولینی و پیراهن قهوه  ای های هیتلر یادتان میافتد.

اینها صفحه فیسبوکی راه انداخته اند که قبلا عنوانش صفحه "اخراج کردها از آذربایجان" بود که البته بعد از افشاگری کمیته آذربایجان نامش را عوض کردند و گذاشتند "جنبش اخراج تروریستهای کرد از آذربایجان"! یعنی مثلا مجبور شدند حساب "کردها" را از "تروریستهای کرد" جدا کنند. خواستند بگویند با "کردها" مشکل ندارند بلکه مشغله شان "تروریستهای کرد" است! علیرغم این حقه بازی در عنوان صفحه شان، با بیشرمی کارگران کرد زبان در آذربایجان را تروریست خطاب میکنند و از "ترکها میخواهند محل تجمع "کردها" را به شماره تلفنی خبر دهند!

***انترناسیونال:*** *آیا تحرک ناسیونالیسم ترک در آذربایجان را میتوان یک جنبش تلقی کرد؟*

**محسن ابراهیمی:** تحرک ناسیونال - فاشیستی در حال حاضر هیچ یک از خصوصیات و مشخصات یک جنبش سیاسی را ندارد. به این معنا که پرچمی باشد در دست شخصیتها یا بر پیشانی سازمانهای سیاسی معینی با نفوذ قابل توجهی در جامعه و قدرت بسیج سیاسی در میان بخشهای مهمی از جامعه. در حال حاضر ما فقط با تحرکی در سطح مقاله نویسی، انتشارنشریه و کتاب، سخنرانی و پانل که معمولا از طریق رسانه های اجتماعی مثل سایتها و صفحات فیسبوکی سموم ناسیونال - فاشیستی را پخش میکنند مواجه هستیم.

همینجا لازم است یک نکته را یادآوری کنم. ناسیونالیسم ترک طیف وسیعی را در بر میگیرد. در منتهی الیه راستش همین ناسیونال- فاشیستها قرار دارند که به چیزی جز آذربایجان مستقلی که "کردها و ارمنیها و فارسها" از آن پاکسازی شده اند و "نژاد برتر و تاریخ دار و اسطوره ای ترک" دارند در کنار هم زندگی "اسطوره ای" میکنند تن نمیدهند. یک مالیخولیای نژادی در سرزمین آذربایجان که البته با پاکسازی نژادی و حفظ نژاد خالص آریایی آدولف هیتلر هیچ تفاوتی ندارد. در طرف مقابل از فدرالیستهای طرفدار تمامیت ارضی با درجه ای از خودمختاری فرهنگی و اجتماعی برای آذربایجان گرفته تا کسانی که به رفع ستم زبانی راضی هستند قرار دارند. موارد زیادی پیش آمده است که وقتی با نقد ما و مخصوصا تعرض سیاسی ما به ناسیونال - فاشیسم مواجه شده اند کسانی از این طیف حساب خود را از به قول خودشان "افراطیها" جدا کرده اند.

فرقه های مختلف طیف ناسیونالیستم ترک در این طیف اگر چه تفاوتهایی دارند اما مبانی فکریشان یکی است وچهارچوب عمومی افکارشان در مورد زندگی و جامعه و مناسبات انسانی  وسیاسی مشابه است. برای مثال از منظر همه آنها هویت ملی و قومی مبنای تقسیم بندی انسانهاست. به همین دلیل مرزهایی که اینها را از هم جدا میکند بسیار شکننده است. اگر شرایطی فراهم شود که ناسیونال - فاشیسم نیرو بگیرد دقیقا به خاطر مبانی فکری مشابه، همین رگه های داخل طیف، اولین محیط مستعد برای سرباز گیری از طرف ناسیونال - فاشیسها خواهد بود.

تنها در صورتی که بدیل فکری و سیاسی رادیکال و انسانی و برابری طلب در جامعه قدرتمند باشد، نیرو گیری از این محیط  برای رگه ناسیونال ـ فاشیستی این طیف سختتر و سختتر میشود.

هدف اصلی کمیته آذربایجان به عنوان تشکیلاتی از حزب کمونیست کارگری، شکل دادن به چنین بدیلی و قابل دسترس کردن و تبدیل کردن آن به نیروی موثر در تحولات سیاسی آتی ایران است و این تنها تضمین در مقابل تبدیل شدن ناسیونالیسم ترک به یک نیروی قادر به تخریب روندهای سیاسی پیشرو در ایران است.

***انترناسیونال:*** *امکان تبدیل شدن ناسیونالیسم ترک به یک جنبش سیاسی چقدر است؟*

**محسن ابراهیمی:** موانع مهمی در مقابل این فرقه ها وجود دارد که تبدیل شدنشان به یک جنبش سیاسی موثر را بسیار سخت میکند از جمله:

1- فضای قوی و گسترده انساندوستانه و مدرن و سکولار که در واکنش و در اعتراض به قهقرای اسلامی حاکم در کل ایران از جمله در آذربایجان شکل گرفته است.

2-  یک جنبش وسیع کارگری شامل اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگری، تشکلهای فعالین و رهبران کارگری، چهره های شناخته شده کارگری که به نمایندگی از منافع کل جامعه ظاهر میشوند و مطالباتی همه شمول مثل آموزش  و درمان مجانی و بیمه اجتماعی و آزادی بیان و آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام و حقوق برابر برای زنان را در مقابل کل حکومت قرار میدهند.

3- موج وسیعی از جنبش خلاصی فرهنگی و جدال همه روزه با عقاید و باورها و سنتها و قوانین مذهبی و عقب مانده که داستان زندگی همه روزه جوانان در ایران شده است.

4-    وجود جنبشهای مدرن، پیشرو و انسانی نظیر جنبش علیه اعدام، دفاع از حقوق کودکان، برابری زنان، آزادی بیان و جدایی دین از دولت.

با توجه به همه اینها، امکان نفوذ و کسب نیرو توسط فرقه های ناسیونال - فاشیست در میان مخصوصا جوانان که به یمن اینترنت و میدیای اجتماعی در فعل و انفعال دائم با داستاوردهای فکری و سیاسی پیشرو جهان هستند ابدا آسان نیست.

اینها البته جامعه را در مقابل خطر سیاسی ناسیونالیسم تماما مصون نمی کند چون مساله بر سر مقبولیت فکری و ارزشی علی العموم نیست. اگر از نقطه نظر سیاسی به موضوع نگاه کنیم علیرغم موانع موجود هنوز باید خطر باندهای ناسیونالیستی را جدی گرفت.

جامعه ایران انفجارهای اجتماعی ـ سیاسی بزرگی را به خود خواهد دید. تنشهای دائما فزاینده میان مردم و حکومت یک جایی منفجر خواهد شد. دیر یا زود قیامی به مراتب وسیعتر از 1388 بنیاد حکومت اسلامی را هدف قرار خواهد داد. مثل همه بحرانهای حکومتی در چنین مواقعی انواع نیروهای سیاسی فعال میشوند. در کنار باندهای وفادار به حکومت، فرقه های مختلف ناسیونالیست همه تلاش خود را خواهند کرد تا نقش بسیار مخربی درمقابل انقلاب آزادیخواهانه مردم بازی کنند. مخصوصا اگر نیروهای چپ در تحول آتی دست بالا داشته باشند، انواع نیروهای ارتجاعی از باندهای وفادار به حکومت رو به موت گرفته تا دولتهای ارتجاعی منطقه و جهانی تا همین دسته های مختلف ناسیونالیستی در مقابل چپ دست به کار خواهند شد.

به خاطر همان فضای عمومی و نیروهای فعال در جامعه که قبلا به آنها اشاره کردم امکان مقابله موثر با چنین نیروهای ارتجاعی بسیار زیاد است. تنها تضمین برای بی اثر کردن چنین نیروهایی در مقابل تلاش آزادیخواهانه و پیشرو کارگران و میلیونها زن وجوان و مردم ستمدیده این است که تکلیف حکومت اسلامی و باندهای اسلامی باقیمانده از آن با یک قیام برق آسا یکسره شود. نباید گذاشت پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی طولانی شود. نباید گذاشت خلاء سیاسی بوجود آید و فرجه ای برای عرض اندام نیروهای مخرب سناریوی سیاهی فراهم شود.

 چنین قیام پیروزمندی مستلزم حضورپیشاپیش یک فاکتور دیگر است: هر چقدر جنبشهای دخیل در تحول انقلابی تحزب یافته تر و سازماینافته ترباشند، هر چقدر بخشهای بیشتری از طبقه کارگر متشکل تر باشد، هر چقدر رهبران وفعالین چپ و سوسیالیست کارگری، فعالین چپ و کمونیست در میان اقشار مختلف جامعه در حزب سیاسیشان متشکلتر باشند و تحزب یافته تر در روند انقلاب شرکت کنند همانقدر فضا برای تحرک نیروهای ارتجاعی از جمله باندهای ناسیونالیست تنگتر خواهد شد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری برای تحقق چنین شرایطی فعالیت میکند. روشن است که برای تحقق این هدف ابعاد فعالیتهایمان باید بسیاروسیعتر و نحوه کارمان بسیار موثر تر شود. ما میتوانیم و باید کاری کنیم که جریانات باند سیاهی ناسیونالیست ترک کوچکترین میدانی برای شلنگ تخته انداختن در مقابل عزم کارگران و مردم ستمدیده برای رها شدن از جامعه سرشار از تبعیض سرمایه داری و حکومت نکبت بار اسلامیش پیدا نکنند.

ما برای تحقق هر چه سریعتر این اهداف از همه کسانی که در این اهداف انسانی با ما شریکند میخواهیم به ما بپیوندند و صف ما را در مقابل نظم نابرابر سرمایه داری و نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیستش قدرتمند تر کنند. \*